

سفر نامه

وضیعت قرمز است؛ سفر نر وید و سفر نامه بخوانید

خاطره سفر علمی به پارک ملی گلستان



ارژواحمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

بعداز دوماه کامل در قرنطینه ماندن و سفر رفتن و در عوض سفر مجازی را تجربه کردن و مرور عکس ها و خاطرات سفر های قبلی، دوباره کرونا به دوران اوج خود نزدیک شد و البته گویاوج فرور دین راهم پشت سر گذاشته و رکورد جدیدی ثبت کرده است که در نوع خود بی نظیر است، همین گونه پیش رود کرونا را که شکست نخواهیم داد که هیچ، کادر درمان هم قطعاً مغلوب این ویروس خواهند شد. و به همین دلیل دوباره ما در خانه ماندیم و خود قرنطینه گی از سر گرفته شد. دوباره من ماندم و آلبوم عکس های قدیمی و خاطراتی که هیچگاه تمام نمی شوند. هر چه عکس ها قدیمی تر می شوند عبق لبخند من نیز بیشتر می شود، پس بگذارید از خیلی دور تر ها برایتان بگویم. از دورانی که دوره راهنمای طبیعتگردی را می گذراندم و سفرهایی که باهمکلاسی ها و استادها می رفتیم، و یکی از آن سفر ها سفر به پارک ملی گلستان بود. سفری که شاید هر گز فرصت تکرارش پیش نیاید. آشنایی با پستانداران یکی از دروس دوره آموزشی مان بود و یک سفر نیز به عنوان بخش عملی درس باید می رفتیم. استاد هماهنگی های لازم را با سازمان محیط زیست انجام داده و مجوز های لازم جهت ورود به منطقه حفاظت شده پارک ملی گلستان را گرفته بود. محل قرار مان ایستگاه آه آهن تهران بود و بعد از جمع شدن تمام همکلاسی ها که بیش از ۴۰ نفر بودیم به همراه استاد سوار قطار شدیم و به مقصد گرگان حرکت کردیم، صبح زود به گرگان رسیدیم و با چند مینی بوس که از قبل هماهنگ شده بود به سمت پارک ملی گلستان رفتیم.



شور و هیجان و اشتیاقی که میان دوستانم موج می زد را هیچگاه فراموش نمی کنم. کمی قبل از ظهر به محیط بانی پارک گلستان رسیدیم و بعد از ارائه مجوز ها اجازه ورود گرفتیم و به محل خوابگاه پارک رفتیم. دو ساختمان مجزا که یکی خوابگاه خانم ها بود و آن دیگری مخصوص آقایان. نهار را در حیاط خوابگاه خوردیم و بعد از استراحتی کوتاه لباس های هر رنگ طبیعت بر تن کردیم و آرام و بی صدا با دوربین های چشمی وارد منطقه و محل عبور کل و بز ها شدیم به دنبال شان می گشتیم که از بخت خوب مان یک گله در دور دست دیدیم. دیدن حیات وحش آن هم در محل زندگی اصلی شان و از لذت دیگری دار. نزدیک غروب به سمت خوابگاه برگشتیم و بعد از خوردن شام، استاد در حین آموزش چگونگی رفتار و استتار در مناطق حفاظت شده از خاطراتش تعریف کرد. خاطراتی که باعث می شد گهگاه صدای بلند خنده مان در فضای خوابگاه بپیچد. کاش قدر فرصت های لبخند مان را می دانستیم. شب با صدای گراز که اطراف خوابگاه بی غذایی گشت بیدار شدیم. آرام به دنبال صدا رفتیم. یک گراز مادر بود به همراه فرزندش که با شنیدن صدای پایم فرار کردند. دیدن گراز برایم شگفتی آور بود چون تنها جایی که گراز دیده بودم در کارتون های زمان کودکی ام بود. دوباره در کیسه خواب خزیدم و از خوشحالی دیدن گراز به خواب عمیقی فرو رفتم. صبح بعد از خوردن صبحانه از محیط بان ها خلافاً فظی کردیم و بارهمنان راجمع کردیم و سوار مینی بوس ها شدیم و به سمت آبشار آق سو حرکت کردیم. آبشاری که در صد کیلومتری شهر گرگان واقع شده و یکی از دلایلی که بکر مانده این است که هیچ گونه تابلو و علائم خاصی برای راهنمایی گردشگران به سمت آن در نظر گرفته نشده است. بعد از یکی از تونل ها توقف کردیم و درست در آن طرف جاده پس از نیم ساعت پیاده روی به آبشار جذاب و پلکانی آق سو رسیدیم. کاش می شد دوباره باهم سفر برویم. کاش...

غیر فعال در آمده اند. در بلندای این تپه ها، دهانه هایی به قطر چند سانتی متر وجود دارد و از دهانه گل فشان متناوب گل خاکستری رنگ خارج شده و به سوی دامنه ها سرازیر می شود. دوره تناوب این پدیده نادر و زیبا ده تا پانزده دقیقه است که این عمل بالرش خاک هم راه است و گاهی به هنگام خروج گل، صدایی همانند شلیک تفنگ از آن به گوش می رسد.

کال جنی

کال جنی یا دره اجنه، یکی از منحصر به فرد ترین دره های ایران است که مانند سرزمین عجیبی از صخره ها است که دخمه هایی در دل دیوار ها و اشکال عجیب و نامتجانسی را در دل خود گنجانده است. کال جنی با طول ۹ کیلومتر، دره ای بی نظیر و پر آب در وسط بیابان داغ طبس است. این دره در ۳۵ کیلومتری شمال طبس و در اطراف روستای از میغان و در امتداد خروجی قناتی که در نزدیکی آن قرار دارد، واقع شده است.

شاید برای کسی که اولین بار نام کال جنی را شنیده باشد، این اسم کمی عجیب و راز آلود باشد. کال جنی از دو بخش کال و جنی تشکیل شده است. کال به دره یا مسیر ایجاد شده به وسیله سیلاب ها و جریان آب گفته می شود. پیشینیان که از علت ساخت طبیعی این سازه ها و اشکالی به صورت دودکش و تنوره های جن بی اطلاع بودند، ساختش را به جن ها نسبت داده اند. به عقیده ساکنان روستاهای اطراف، این دره خانه جن و ارواح است و به همین دلیل بخش دوم نام را به آن اضافه کرده اند. این اثر شگفت انگیز با نام دره جنی نیز شناخته می شود.

این دره عمیق گاهی شکل U به خود می گیرد و در جایی دیگر مانند V به نظر می رسد. بالای سرت را که نگاه کنی تنها ذره ای از آسمان را در فاصله دو دیوار به بلند می بینی و در جاهایی به دلیل نزدیک شدن دو دیواره به یکدیگر از این تصویر هم خبری نیست. اینجا به همه جای بیابان های اطرافش فرق می کند. اینجا آب عنصری نایاب نیست و در جای جای آن مشاهده می شود. آبشار های کوچکی در اینجا هستند که محلی هایه آن ها «شلن» می گویند. حوضچه هایی هم تشکیل شده که تا ۱/۵ متر عمق دارند و جای خوبی برای تن به آب زدن و خنک شدن در گرمای این سرزمین است.

اگر به دنبال افزایش میزان آدرنالین هستید، شب هنگام به این دره مخوف در طبس سفر کنید. در این دره، شب هنگام، صداهای رعب آوری در فضا می پیچد و اسرار شگفت انگیزی را در خود جای داده است. اهالی این منطقه این دره را خانه جن و ارواح می دانند و داستان هایی از ربوده شدن دختران جوان توسط اجنه در این دره برای شما تعریف خواهند کرد. قدیمی تر ها بر این باور بودند که هیچ کس نباید حتی به این دره نزدیک شود، چه برسد به اینکه درون آن قدم بگذارد. اگر زنی در قدیم فرزندی ناقص به دنیا می آورد او را رابه اجنه این دره مرتب می ساختند.

وجود تونل ها و خانه هایی به نام خانه گیر ها در دل دیواره ها که برای سکناي زرتشتیان زمان خود ساخته شده است، از دیگر جذابیت های این دره است. این حفره ها و تونل ها در دامنه جداره های این دره قرار گرفته اند.

به اینجای می آورده و برخی نیز می گویند که خود او سنگ ها را به این شکل در می آورده است. اما به هر حال کسی تا به حال پیدا نشده که بگوید او را در هنگام سوراخ کردن سنگ ها دیده است.

دریاچه ارواح

دریاچه ممز در ۵ کیلومتری شمال روستای چلندر از توابع نوشهر واقع است. در درون این دریاچه درختان خشک شده ای قرار دارند که منظره جالب و ترسناکی را ایجاد کرده اند و به خاطر همین ظاهر خوفناک و سکوت وهم انگیز دریاچه، این دریاچه به تالاب ارواح شهرت یافته است.

دریاچه ممز در میان جنگل انبوه پهن برگ در منطقه ملاکلا قرار گرفته است و در میان محلی ها با نام این منطقه نیز نامیده می شود. طول دریاچه در حدود ۷۰۰ متر و عرض آن ۳۰۰ متر است.

تالاب ارواح در فهرست آثار ملی ایران نیز ثبت شده است و جزء جاذبه های طبیعی و بکر خطه شمال محسوب می شود که در بین گردشگران و ماجراجویان کمتر شناخته شده است. در کنار این دریاچه جنگلی سرسبز قرار دارد و در میان آب های دریاچه، تنه های درختان خشکی قرار دارد که به درختان مرده شهرت یافته اند.

گل فشان

گل فشان پدیده ای طبیعی است که طی آن گل و لای از زیر زمین، چشمه وار به سطح زمین می رسد و شکل ماهوری بخود می گیرد. چشمه های گل افشان چاپهار جاذبه ای شگرف، نادر و منحصر به فرد طبیعی زمین شناسی است که با دارا بودن پتانسیل ها و امتیازات مخصوص خود می تواند به عنوان دومین ژئوپارک خاورمیانه به یک اثر جهانی تبدیل شود.

گل فشان ها پدیده های بسیار نادر و حیرت انگیزی هستند که می توان آن ها را در سواحل چند نقطه از دنیا مشاهده کرد. استان سیستان و بلوچستان در کشور مان از جمله این مکان هاست که چند چشمه گل فشان زیبا را درون خود جای داده است. بر اساس اطلاعاتی که زمین شناسان ارائه داده اند، فقط در ۲۴ منطقه ساحلی در دنیا پدیده گل فشان وجود دارد.

در سیستان و بلوچستان و در شمال جاده کهپر – تنگ (جنوب جاده کهپر – زراباد) کوه گل فشان مخروطی شکلی وجود دارد که بزرگ ترین و مشهور ترین کوه گل افشان فعال ایران است. این گل فشان ها در ۹۵ کیلومتری غرب بندر کنارک و در دشت کهپر نرسیده به روستای تنگ در زمینی مسطح واقع شده و دارای سه تپه کوچک گل فشان است که یکی از آن ها شبیه آتشفشان و در حال حاضر فعال است و بقیه آن ها نیز از چند سال قبل به صورت



که یکی از نزدیکانش فوت می کرد، او یک سنگ جدید آویزان می کرد. برخی از مردم می گویند که داستان آویزان کردن سنگ ها از یک شب شروع شد. گویا یکی از شب هایی که درویش خان خواب بوده است، خواب می بیند که در باغی سنگی است. او پس از بیدار شدن تصمیم می گیرد که باغی به همان صورت که در خواب دیده بود دنیا کند.

افراد دیگری اعتقاد دارند که درویش خان پس از مدتی به جنون رسیده بود و این کار را تنها از روی اینکه دیگر فکر درست نباشد انجام می داد. البته در بین همه روایات و شایعاتی که موجود است، داستان غم از دست دادن زمین ها واقعی تر به نظر می رسند. گویا خانسواد درویش خان هم این موضوع را قبول دارند که بعد از دست دادن زمین ها بود که او شروع به در دست کردن باغ سنگی سیرجان کرد.

اما به دلایل زیادی به طور حتم نمی شود گفت که اصلی ترین ریشه ایجاد این باغ چه بوده است و از آن جایی که این فرد از نعمت کلام نیز محروم بوده، نمی توانسته بجز زبان اشاره حرف های دیگری را برزند و یا اعتراض را بیان کند. یکی از عجایب باغ سنگی سیرجان این است که بیشتر سنگ های این باغ، دارای سوراخی هستند که شاخه ها از آن رد شده اند. وجود این همه سنگ یکسان با این ویژگی خاص مسئله ایست که ذهن افراد زیادی را به خود مشغول کرده است. اینکه این سنگ ها از کدام منطقه بوده اند؟ آیا در همین اطراف وجود داشته اند و یا سنگ ها را درویش می گویند که درویش خان با این کار بسیار راضی و خشنود شده بود و حس می کرد که نشانه ناراحتی و اعتراض، به باغی منجر شده است که هر گز از بین نمی رود. خانواده او می گویند که شاید به دلیل آن که نمی دانسته صحبت کند، این نوع اعتراض به ذهنش رسیده است. البته بجز سنگ، او چیزهای دیگری مانند لاستیک های پنچر شده، آینه های شکسته، فنر و هر چیزی که به نظرش می رسیده را به درخت آویزان می کرده است، اما خب بخش بیشتر باغ سنگی سیرجان را همان میوه های سنگی تشکیل داده اند.

برخی می گویند که درویش خان اسفندیار پور از یک زمان به بعد برای هر اتفاقی که در زندگی اش می افتاد سنگی از یک درخت آویزان می کرد. مثلاً زمانی

بافت، دهستانی به نام بلورد و روستای مشهوری به نام میاندو آب وجود دارد، دلیل شهرت این روستا نه میوه های خوش طعم و نسه آب و هوای مطبوع و نه مناظر زیباست، بلکه وجود یک باغ سنگی نام آن را به شهرت جهانی رسانده است. باغ شش گوشه ای که درختانش همیشه پر از میوه است، میوه هایی شنادر آب ها خبر می دهند و آرامگاه برخی از کسانی که به درون دریاچه رفته و هرگز بازنگشته اند نیز قابل مشاهده است. پس بدلیل شرایط خاص دریاچه و نیز محافظت از این نگین گرانبه ا جدا از آب تنی درون آب های آن اجتناب کنید. همچنین از نوشیدن آب آن جدا جلوگیری کنید تا بدلیل عناصر سنگین موجود در آب دچار مشکلات روده و معده نشوید.

اینقدر زیاد است! در حقیقت به دلیل بالا بودن رسوبات چشمه آرترین تامین کننده آب دریاچه و در گذر زمان بار سوب شدن املاح آب، لبه های چشمه بالا آمده و امروزه تا این ارتفاع رشد کرده اند. مهمترین آثار باستانی قرار گرفته در در اطراف دریاچه تخت سلیمان تابلوهای متعدد از ممنوع بودن شنادر آب ها خبر می دهند و آرامگاه برخی از کسانی که به درون دریاچه رفته و هرگز بازنگشته اند نیز قابل مشاهده است. پس بدلیل شرایط خاص دریاچه و نیز محافظت از این نگین گرانبه ا جدا از آب تنی درون آب های آن اجتناب کنید. همچنین از نوشیدن آب آن جدا جلوگیری کنید تا بدلیل عناصر سنگین موجود در آب دچار مشکلات روده و معده نشوید.

چشمه وقت ساعت

کوه پرپز با ارتفاع سه هزار و ۵۰ متر در جنوب دوردو واقع شده و دارای چشمه ها، غارها و دیواره های شگفت انگیز و ناشناخته ای است که یکی از این پدیده ها به روایت محلی چشمه وقت ساعت می باشد.

این چشمه اسرار آمیز در عمق غاری در پرپز کوه واقع شده که در زمان های مشخص آب این چشمه قطع و وصل می شود که به همین دلیل بومیان محل منطقه نام وقت ساعت را برای این آبشار برگزیده اند.

آبشار و چشمه وقت ساعت در تمام طول سال آب دارد همانطور که از نام آن پیداست در زمانی این چشمه سرشار از آب و در زمانی خشک می شود.

سقف ۱۵ متری آن است که به صورت یک آبشار دو قلوبه کف غار می ریزد. همراه با قطع و وصل شدن آبشار سکوت غار بهرم می خورد؛ هنگام قطع آبشار صدای چک چک آب طنینی دل انگیز دارد و وقت جاری شدن غرشی سهمناک به گوش می رسد.

زمان فعالیت آبشار وقت ساعت که بسیار خنک و زلال است در فصل های مختلف کم و زیاد می شود به طوری که زمان فعالیت آن حدود ۵۵ دقیقه و زمان توقف آن در تابستان حدود یک ساعت، پاییز پنج ساعت و زمستان هشت ساعت است.

باغ سنگی درویش خان

در دل استان کرمان، و در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی سیرجان –



بگاه دهدار، راهنمای گردشگری

در جای جای کشور عزیزمان ایران و تا چشم کار می کند زیبایی و شگفتی طبیعی و تاریخی به چشم می خورد و این از هر رهگذری که تنها کمی از این آب و خاک بداند و بشناسد؛ پوشیده نیست. اما در این میان هستند جاذبه هایی که ویژگی های منحصر به فرد و گاه عجیبی دارند. در این شماره به تعدادی از این جاذبه ها نگاهی خواهیم انداخت.

دریاچه تخت سلیمان

تخت سلیمان و دریاچه فیروزه ای رنگش از دیرباز مورد توجه بسیاری از توریست های ایرانی و خارجی بوده است و پر است از رازهای گوناگون؛ و در طول تاریخ چه ره سلاطین و پادشاهان زیادی راه خود دیده است. این دریاچه یکی از رمز آلودترین نقطه های تاریخی فلات ایران است و افسانه ها و روایات تاریخی مهر تأییدی بر این باور هستند. گفته می شود که این ناحیه پایتخت اشکانیان بوده است. تا قبل از ورود اسلام این محل بزرگترین مرکز آموزشی، مذهبی، اجتماعی و عبادی ایرانیان محسوب می شده و اهمیت بالایی داشته است. اقوامی همچون مادها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و مغولان هر یک در دورانی اطراف این دریاچه زیسته اند و در نهایت دریاچه شاهد تاریخ بسیاری از این اقوام بوده است. این جارا محل تولد زرتشت می دانند و آتشکده بزرگ آذر گشنسپ در آن بنا شده بوده که آتش جاودان این معبد تا هفت قرن فروزان باقی می ماند. آتشکده آذر گشنسپ یکی از سه آتشکده مقدس زرتشتیان و نماد قدرت آیین زرتشتی به شمار می رفته است.

اما نکته شگفت انگیز این چشمه تنها به ثابت ماندن درجه حرارت سطح آب در تمام طول سال روی ۲۱ درجه سانتی گراد و نحوه خروج آب از آن ختم نمی شود، بلکه این چشمه در کنار اهرام ثلاثه مصر و کمبه، یکی از چاکرهای اصلی انرژی روی کره زمین به شمار می آید.

آب چشمه رسوبی دریاچه تخت سلیمان از عمق بیش از ۱۱۲ متری و از درون زمین می جوشد. شاید برایتان جالب باشد بدانید که چرا عمق دریاچه